

بهار سینما

■ علی غیشاوی

پس از هجوم موج جدید فیلم‌های سخیف و کم‌مایه - که بعضی هاشان پهلوی به پهلوی فیلم‌فارسی‌های دهه‌ی ۵۰ می‌زدند - در زمستان ۱۳۸۷ با فرا رسیدن سال نو، شاهد نمایش آثار آبرومندتری در حوزه‌ی هنر هفتم بودیم. با مشخص شدن عناوین فیلم‌های اکران نوروز، سینما خود را از زیر سایه‌ی فیلم‌هایی که کوچک‌ترین احترامی برای مخاطب و ارزش‌های جامعه قائل نبودند و فقط به قصد فتح گیشه‌ها ساخته شده بودند - و بعضاً هم خوب فروختند - بیرون کشید. با نگاهی اجمالی می‌توان گفت آثار به‌نمایش درآمده در سال جدید، سلیقه‌های گوناگون مخاطبان را به رسمیت شناخته‌اند و هر کسی با هر سلیقه‌ای می‌تواند محصول باب طبع خود را در میان یکی از فیلم‌های روی پرده بیابد.

۱. سوپرستار

تهمینه میلانی که در همه‌ی فیلم‌هایش داعیه‌ی طرح معضلات اجتماعی را داشته در جدیدترین اثرش سراغ مسائل پشت پرده‌ی سینما رفته و محمل روایت و صدور پیام‌هایش را در زندگی خصوصی یک بازیگر بررسی می‌کند. فیلم حکایت فوق ستاره‌ای به نام «کوروش زند» است. مردی فاسق، معتاد، شرابخوار، لایالی، بدخلق، قمارباز، بی‌حوصله... (باور کنید خصوصیات ناپسند این شخصیت را می‌توان همین‌گونه ادامه داد) که بعد از آشنایی با دختر نوجوانی که ادعا می‌کند کوروش پدرش است به یک‌باره از این‌رو به آن‌رو می‌شود و با تحولی عمیق قدم در راه صلاح و

سعادت‌مندی می‌گذارد. در آخر قصه هم می‌فهمیم که آن دخترک یا استعاره‌ای که از نامش برمی‌آید (فرشته) ظاهراً موجودی ماورایی بوده که وظیفه تلنگر زدن به کوروش و هدایتش را به عهده داشته است. نیت خیر فیلمساز در ترسیم امکان تحول طبع بشر بر کسی پوشیده نیست و حتی جای تحسین دارد. اما آنچه هیچ وقت در طول روند روایت داستان جا نمی‌افتد و باورناپذیر به نظر می‌رسد تصمیم کوروش در جبران گذشته‌ی تباه خود بر اثر چند پیام اخلاقی سطحی و نصیحت‌های ساده دخترک است. تهمینه میلانی حتی در آثار پیشین خود در طرح مضامین فمینیستی، بدون طراحی دراماتیک عناصر فیلمنامه خود، به سطحی‌ترین مفاهیم و لایه‌های موضوع پرداخته است.

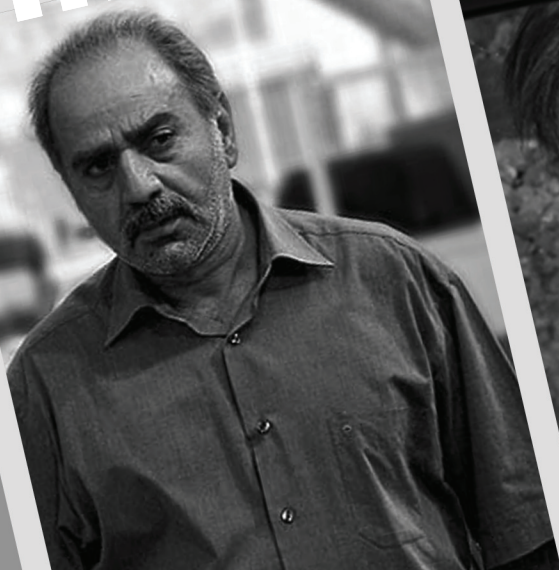
۲. وقتی همه خوابیم

این فیلم نیز - البته با رویکردی متفاوت - به معضلات پشت پرده‌ی سینما می‌پردازد و نشانمان می‌دهد که چگونه در فضایی که پول و سرمایه حرف اول را می‌زنند، همه چیز و مهم‌تر از همه، اخلاق و فرهنگ و هنر به مسلخ می‌روند. داستان درباره‌ی عواملی است که دارند فیلمی فاخر تولید می‌کنند اما بر اثر فشار تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران پروژه مجبور می‌شوند کار خود را نیمه‌کاره رها کنند. در نهایت صاحبان بی‌سواد و دور از فرهنگ سرمایه، حتی به فیلمنامه‌ی اصلی و کارگردان نیز رحم نمی‌کنند و ادامه‌ی فیلم را

آن‌گونه که دوست دارند و با عواملی که از نزدیکان خودشان هستند به پایان می‌رسانند. بهرام بیضایی ۸ سال پس از آخرین ساخته‌ی خود - سگ کشی - دوباره استادی خود را در دکوپاژ (با تقطیع حداکثری نماها) و طراحی میزانشن‌های پیچیده و حرکت‌های خلاقانه‌ی دوربین‌ها در «وقتی همه خوابیم» به رخ می‌کشد. اما حتی اگر قبول کنیم که این فیلم انتقام‌نامه‌ای از اسباب نیمه‌کاره ماندن «لبه‌ی پرتگاه»، پروژه‌ی قبلی بیضایی نیست، باز هم میزان عصبیت و تنفر کارگردان از شرایط نامساعد اقتصادی فیلمسازی که در لحظه لحظه‌ی «وقتی همه خوابیم» احساس می‌شود، چیزی نیست که قابل انکار باشد. پرند پایا یکی از شخصیت‌های فیلم جایی به دخترش می‌گوید: «سینما را دوست دارم؛ حاشیه‌هایش را نه.»

۳. اخراجی‌ها ۲

قسمت دوم پروژه‌ی اخراجی‌ها (که ظاهراً قرار است به قسمت سوم نیز برسد) و کارگردانش مسعود ده‌نمکی، آن قدر موضوعات جنجالی هستند که پرداختن به آنها احتیاج به فرصت جداگانه دیگری دارد. فقط می‌توان گفت فروش بی‌سابقه و نجومی این فیلم - که تا لحظه نوشته شدن این ویژه‌از مرز شش و نیم میلیارد تومان (!) گذشته است - پدیده‌ای است که احتیاج به یک بررسی جامعه‌شناسانه و عمیق درباره سلیقه مردم امروز دارد. می‌توان به صف فیلمساز و موافقانش پیوست و استقبال عمومی از این فیلم را به خاطر



هنر قدسی (۱)

■ سید رضی الدین موسوی

هنر دینی یا قدسی می‌کوشد تا مومنان را متوجه خداوند و غایت‌مندی عالم سازد. هنر دینی غفلت‌زداست و توجه به مرکز عالم را که ذات پروردگار است، در انسانها احیا می‌کند. از جمله وجوه ممیزه هنر دینی از غیر آن، این انتظار می‌رود که انسان به خداوند نزدیک گردد، نه این‌که هنر انسان راه دل مشغول دنیا سازد و به امیال و غرایز پای‌بند نماید.

تاریخ انبیا یا تاریخ ادیان در برابر تاریخ طبیعی بشر، از عناصر و ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است و این تفاوت‌ها را می‌توان در هنر ماجرای متفاوتی مشاهده نمود. در تاریخ ادیان، جداگانه‌ای برخوردار بوده است. با توجه به این‌که یکی از مهم‌ترین اهداف انبیا توجه دادن آنان به الوهیت و وحدانیت خداوند بوده، از این‌رو هیچ‌گاه تلاش نشده تا از هنر دینی در مسیر لهو و لعب و غفلت‌زدگی بشر استفاده گردد و در طول تاریخ اگر هنری در خدمت امیال و شهوات بوده، بی‌تردید، برآمده از هنر درباریان ترویج یافته است.

عرفانی، منظور از زیبایی، زیبایی حسی نیست. غزالی درباره زیبایی می‌گوید که جمال ظاهر را باید با نفس و دل جست‌وجو کرد. به طوری که درک زیبایی باطنی عالم نیازمند روح و قلب سلیم است، قلبی که با تصفیه صیقل داده شده و توانایی درک زیبایی‌های الهی را که در عالم تجلی نموده، دارا شود.

بنابراین هنر، تجلی بخش زیبایی‌ها و صفات الهی است و عالم ماده نیز بر اساس ظهور و تجلی صفت فعل خداوند تبلور یافته است، به گونه‌ای که هر زیبایی در عالم به زیبایی خداوند بر می‌گردد. از دیدگاه دینی، اگر هنر کارکرد غایت‌مندانه نداشته باشد، از مشروعیت برخوردار نخواهد بود و این مهم‌ترین عنصر و شاخصه هنر دینی است که اگر از دین حذف شود، بی‌تردید به حذف هنر بیانگر این است که هنر در خدمت آئین و مناسک دینی بوده است و اهداف و اغراض از مهم‌ترین ملاک‌های تشخیص هنر دینی از هنر غیردینی بوده است.



به همین خاطر گیشه‌های آن‌چنانی و میلیاردری نداشته است. اما اصلاً هم پیچیده و غیرقابل فهمی نیست. فقط موقعیت‌های به ظاهر ساده‌ای اثر، بیننده را به کشف لایه‌های زیرین خود از میان سکوت‌ها و نگاه‌ها و دیالوگ‌های آدم‌هایش دعوت می‌کند. به همین خاطر ممکن است بیننده‌ای را که برای سرگرمی صرف به سینما می‌رود، ناراضی به خانه بفرستد. در واقع عبدالرضا کاهانی به همه‌ی ما گوشزد می‌کند که جامعه به یک اندازه به غم و شادی نیاز دارد و افراط در هر کدام می‌تواند چه عواقبی برای ما داشته باشند.

بازی کردن با خطوط قرمز در قالبی طنز و مفرح و در اصل هجو توأمان دشمن بعثی و ریاکاری متظاهران به شریعت دانست و می‌توان از آن طرف حرف‌های منتقدان مخالف فیلم را نیز گوش داد که عقیده دارند آسیب فرهنگی نمایش «خراجی‌ها ۲» چندین برابر سود تجاری آن است. برخی از مخالفان حتی عقیده دارند که فیلم با پیروی از الگوی فیلمفارسی‌های پیش از انقلاب و بهره‌گیری از عناصری سخیف - از موسیقی و رقص روحوضی در اردوگاه اسرا گرفته تا قرقمیش‌های مهماندار هواپیما - در نهایت با نتیجه‌گیری‌ای باب طبع حس میهن‌پرستی مخاطبان، دچار گونه‌ای دروغ و تظاهر و ریا در لحن روایی خود شده است.

۴. بیست

فیلم درباره‌ی صاحب تالاری است که به خاطر مشکلات روحی‌اش تصمیم می‌گیرد تالارش را تعطیل کند و به کارگرانش بیست روز مهلت می‌دهد تا برای خود شغل تازه‌ای دست و پا کنند و از آنجا بروند. ادامه‌ی فیلم تا انتها، حکایت استیصال و اضطراب و تلاش کارگران برای منصرف کردن صاحب تالار از تصمیم خود است. فیلم به سلیقه‌ی آسان‌پسند مخاطب عام تن نمی‌دهد و قطعاً